

طراحی مدل مدرسه کارآفرین مبتنی بر توسعه شایستگی های کارآفرینانه در مقطع متوسطه

نرگس غفرانی^۱ - سیدرسول حسینی^{۲*} - مرتضی موسی خانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه کارآفرینی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

۲. استادیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه فرهنگیان

۳. استاد گروه مدیریت اجرایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸

چکیده

روش های آموزشی کارآفرینانه در مقطع متوسطه با هدف افزایش مهارتها و دانش دانش آموزان می تواند در شرایط واقعی زندگی قابل اجرا باشد. مدارس با هدف تربیت دانش آموزان جهت ایفای نقش کارآفرینانه در جامعه نمود اجرایی چنین هدفی هستند. مطالعه حاضر با هدف ارائه مدل مدارس کارآفرین با محوریت توسعه شایستگی های کارآفرینانه دانش آموزان مقطع متوسطه صورت گرفته است. روش تحقیق از منظر هدف، کاربردی و بر اساس گردآوری اطلاعات، کیفی با استفاده از روش نظریه داده بنیاد می باشد و روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی، با ۱۴ نفر از متخصصان و خبرگان آگاه به مباحث آموزش کارآفرینی و دست اندرکاران اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس در طول تابستان و پاییز سال ۱۴۰۰، مصاحبه های عمیق نیمه ساختاریافته صورت گرفت و داده ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی پارادایمی حاصل بر اساس پدیده محوری (شایستگی کارآفرینانه) متأثر از شرایط علی، شرایط زمینه ای و متغیرهای مداخله گر به همراه راهبردهای کنش و واکنش و پیامدهای ایجاد مدارس کارآفرین در مقطع متوسطه شکل گرفت.

واژه های کلیدی: آموزش کارآفرینی، شایستگی کارآفرینانه، مدرسه کارآفرین، نگرش کارآفرینانه

An entrepreneurial school model based on the development of entrepreneurial Competency in high school level

Narges Ghofrani¹- Seyed Rasool Hoseini^{*2}- Morteza MosaKhani³

1. Department of entrepreneurship, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

2. Assistant Professor, Department of Educational Management, Farhangian University, Tehran, Iran

3. Professor, Department of Executive Management, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 22 Nov. 2021

Accepted: 19 Mar. 2022

Abstract

Entrepreneurial teaching methods in high school with the aim of increasing the skills and knowledge of students applied in real life situations. Schools aim to train students to play an entrepreneurial role in society. The aim of this study is to present a model of entrepreneurial schools focusing on the development of high school students' entrepreneurial attitudes. The research method is applied in terms of purpose and based on data collection; it is qualitative using Grounded theory method. Using purposeful sampling and snowball sampling method, semi-structured in-depth interviews conducted with 14 entrepreneurship education experts and those involved in implementing entrepreneurship education in schools during the summer and autumn of 1400, and the data analyzed using open, axial and selective coding analyzed. The resulting paradigm model was formed based on the central phenomenon (entrepreneurial competence) affected by causal conditions, contextual conditions and intervening variables along with action and reaction strategies and consequences of creating entrepreneurial schools in high school.

Keywords: Entrepreneurship Education, Entrepreneurial competencies, Entrepreneurial School, Entrepreneurial Attitude

مقدمه

اگرچه کارآفرینی در جوامع مختلف بیشتر با کسب و کارهای کوچک و متوسط در صنایع مختلف موضوعیت پیدا نموده اما این موضوع عمیقاً با توسعه اقتصاد کلان گره خورده است. در همین رابطه نظام آموزشی رسمی و غیررسمی خود را با چنین تغییر پارادایمی در ادبیات ملزم به ایجاد تغییرات ساختاری و ماهیتی نموده است. در سطح آموزش عمومی، یکی از این تغییرات ساختاری پدیده نوظهور «مدرسه کارآفرین» است که با هدف تربیت دانش‌آموزان جهت ایفای نقش کارآفرینانه در جامعه مطرح شده است. در چنین مدرسه‌هایی نقش‌ها و مسئولیت‌های همه گروه‌های ذینفع مدرسه، اعم از مدیر، معلم، دانش‌آموز و نیز ماهیت برنامه‌های درسی و حتی انتظارات اولیا و جامعه بزرگ‌تر، مستلزم بازتعریف است (حاجی آقایی و خلخالی، ۱۳۹۹). مدارس کارآفرین مرکز اصلی تربیت دانش‌آموزانی است که با برخورداری از ایده‌ها و اندیشه‌های نو، می‌توانند نیروی نوینی به جامعه تزریق نمایند (نصیری، نبی و شیخ‌آبادی، ۱۳۹۹). ظهور جامعه کارآفرینانه در جامعه از طریق آموزش کارآفرینی منعکس می‌گردد چرا که این نوع آموزش، نگرش کارآفرینانه را تشویق می‌کند (Möttönen and Tunkkari-Eskelinen, 2020)، و تنها در مورد کارآفرین شدن دانش‌آموزان نیست. هدف این آموزش‌ها، توسعه نگرش و مهارت‌های آنها، ترویج نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی، افزایش ظرفیت کارآفرینانه و توسعه فرهنگ کارآفرینی برای کودکان و جوانان می‌باشد. در واقع هدف ایجاد کارآفرینی جدید در جامعه، تأثیر بر رفتار، مهارت‌ها و باورهای کارآفرینانه افراد است. امروزه تصور می‌شود که با تغییر جامعه، رفتار کارآفرینانه برای همه افراد در زندگی کاری ضروری است. آموزش کارآفرینی بخشی از توسعه کلی آموزش است. این شامل اصلاح فرهنگ مدرسه است به طوری که روحیه کارآفرینانه به طور کلی در مدارس منعکس و در واقع مدرسه کارآفرین نمود پیدا می‌کند (Möttönen and Tunkkari-Eskelinen, 2020). لذا، آموزش کارآفرینی نه تنها به دلیل توانایی آن در آموزش مهارت‌های عملی بلکه به منظور کسب دانش درباره نحوه کمک به جوامع و ارتقاء کیفیت زندگی بهتر شناخته شده است (Ratten, 2017).

آموزش کارآفرینی به عنوان یک راه مهم جهت تأثیرگذاری بر رقابت‌پذیری هر کشور یا صنعت در نظر گرفته می‌شود، بنابراین بکارگیری این آموزش‌ها در مدارس این فرصت را بویژه در دوران پاندمی جهت گام نهادن به یک محیط آموزشی رقابتی‌تر برای مدارس فراهم می‌کند (Ratten and Jones, 2021; Liguori and Winkler, 2020). موفقیت تلاش‌های کارآفرینانه به میزان زیادی به تعلیم و تربیت کارآفرینی بستگی دارد. آماده‌سازی دانش‌آموزان جوان جهت موفقیت در ورود به مسیر شغلی آتی و رهبری در بازار جهانی از مهم‌ترین وظایف آموزش به شمار می‌رود (Kim and Yang, 2017). استدلال‌های مربوط به اهمیت آموزش کارآفرینی از دلایل مربوط به رشد اقتصادی و بیکاری گرفته تا رشد شخصی یادگیرندگان متفاوت است. حتی اگر استدلال‌ها و دیدگاه‌ها متفاوت باشد، آنها از یک نقطه مشترک ناشی می‌شوند، یعنی هدف این است که به طور اثربخشی با عدم‌انگیزه برای یادگیری و مشارکت در کار مدرسه مقابله نموده و ظرفیت دانش‌آموزان را جهت یادگیری عمیق افزایش دهیم. افزایش روزافزون تغییرات در جهان باعث تغییر عمیقی شده است که حتی می‌توان گفت نوعی تغییر پارادایمی صورت گرفته که بایستی بر اساس آن انواع دانش و شایستگی‌ها از طریق آموزش رسمی به آنها ارائه شود تا برای زندگی حرفه‌ای و شخصی آتی خود آماده شوند (Lackeus, 2015). با اینحال، در سطوح پایین تحصیلی، همین استدلال ممکن است باعث مقاومت معلمان و دانش‌آموزان شود. مسئله‌ای که همچنان در مدارس کشور ما نیز وجود دارد. لذا وجود مدارس کارآفرین که در آن اهداف آموزش کارآفرینی منجر به افزایش انگیزه، علاقه و مشارکت دانش‌آموزان جهت تقویت نگرش کارآفرینانه و یادگیری عمیق می‌گردد، ضروری است (Möttönen and Tunkkari-Eskelinen, 2020). چرا که نگرش کارآفرینانه که شامل تأکید بر کنترل شخصی بر وضعیتی است تا حدی نوآوری را در بر می‌گیرد (Brown and Rocha, 2020). با وجود این برنامه‌های آموزش کارآفرینی در ایران بیشتر در مقطع آموزش عالی دنبال می‌شوند و این آموزش‌ها بصورت رسمی در سطح ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در حالیکه بر اساس بندهای سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و سند برنامه ملی درسی (۱۳۹۱) بر مفاهیم خلاقیت و نوآوری،

آشنایی با مشاغل در جامعه، خودآگاهی و اعتماد به نفس، آشنایی با کارآفرینی و کسب و کارها برای تربیت نیروی انسانی کارآمد تاکید دارد (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۶). برنامه‌های آموزشی متعددی به منظور آموزش کارآفرینی در مدرسه‌های در سراسر جهان برگزار می‌شوند. در ایران طی دهه گذشته آموزش کارآفرینی در مدارس بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در این رابطه طرح‌هایی همچون طرح ملی «کاشف» یا طرح «مرکاب» به ضرورت توجه آموزش و پرورش به آموزش کارآفرینی اشاره داشته‌اند (حشمتی‌فر و همکاران، ۱۳۹۸). در دوره متوسطه بواسطه اینکه مرحله‌ای جهت آماده‌سازی دانش آموزان برای ورود به دانشگاه است، علاقه آنها به کارآفرینی بایستی اصلاح گردد تا برای ادامه تحصیلات خود در سطوح بالاتر آماده و مسئول باشند. با این وجود کمتر به موضوع پرورش نگرش کارآفرینانه در مدارس توجه شده است. مدرسه به عنوان دومین پایگاه اجتماعی بعد از خانواده برای دانش آموزان نقش مهمی را در آموزش کارآفرینی بر عهده دارد (حشمتی‌فر و همکاران، ۱۳۹۸). در همین راستا، هدف از این پژوهش، ارائه مدلی از مدرسه کارآفرین است که مبتنی بر توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه دانش آموزان باشد. انتظار می‌رود نتایج این تحقیق در برنامه‌ریزی و اجرای آموزش‌های کارآفرینانه در مدارس مقطع متوسطه مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مدرسه کارآفرین

مدارس باید در فرآیند ایجاد کارآفرینی و همچنین پرورش کارآفرینان و پرورش قهرمانان جدید برای آینده، شرکای فعالی باشند (Sjøvoll and Pedersen 2014). مدرسه کارآفرین به عنوان مرکز اصلی تربیت دانش آموزان، به حرکت رو به رشد جامعه از طریق تریق نیروی نوین و خلاق کمک می‌نماید. بر همین اساس می‌توان گفت که مدارس مسئول برنامه‌ریزی پایه‌های فرهنگی کارآفرینی در جامعه هستند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵). مدارس کارآفرین، با هدف تولید دانش و کاربرد آن جهت توسعه بخش‌های مختلف جامعه از طریق تحقیق و آموزش و تولید ایجاد می‌شوند (عباسی، ۱۳۹۳). مدارس کارآفرین بر فرصت‌های نوآوری،

رشد و توسعه تاکید می‌نمایند، در این مدارس خلاقیت در سراسر سازمان تشویق و تقویت می‌شود تا فرهنگ کارآفرینانه حفظ گردد (Davies and Beamish 2009). مدارس کارآفرین، با ایجاد فرهنگ بهبود در مدرسه، فرهنگ مشارکتی در بین کارکنان، بر یادگیری بهتر جهت دستیابی به اهداف یادگیری از طریق روش‌های یادگیری خلاقانه و نوآورانه، تمرکز بر اهداف کارآفرینی مرتبط با استراتژی‌ها و برنامه‌های اقدام ملی، برنامه درسی محلی در کارآفرینی، چشم‌انداز آینده دانش‌آموزان، دیدگاه هویت دانش‌آموز و دیدگاه یادگیری دانش‌آموزان تمرکز می‌کنند (Sjøvoll and Pedersen 2014).

آموزش کارآفرینی

آموزش کارآفرینی در درجه اول به منظور تسهیل رشد اقتصادی و افزایش استعداد کارآفرینی در اقتصادها مورد توجه قرار گرفته است. شیوه‌ای که یک کشور سیستم آموزشی خود را ایجاد کرده است، می‌تواند به افراد در جهت توسعه ویژگی‌هایی که برای کارآفرینی مهم تلقی می‌شوند، کمک نماید (Kirkley, 2017). آموزش کارآفرینی با درجات مختلفی از موفقیت روبرو شده است و نشان می‌دهد که نه تنها یک روش واحد برای دستیابی به جامعه کارآفرین از طریق آموزش کارآفرینی وجود ندارد بلکه متغیرهای دیگری نیز در کار هستند که اطلاعات کمی در مورد آنها وجود دارد. این موارد می‌تواند بر موفقیت یا شکست ایجاد یک جامعه مبتنی بر فلسفه و عمل کارآفرینی تأثیر بسزایی بگذارد. ایجاد مدرسه کارآفرین تنها با ارائه آموزش‌های کارآفرینی محقق نمی‌شود. فرمول سازگاری فرهنگی موفق با کارآفرینی در مشارکت، گنجاندن، اشتراک‌گذاری و حمایت در همه گروه‌های ذینفع جامعه است. ابتکارات متعددی برای افزایش آموزش کارآفرینی در دبیرستان‌ها وجود دارد، با اینحال، آمار در مورد پذیرش کارآفرینی جوانان کم است (Tshehla, 2019). توسعه مهارت‌های رهبری، ارتباطات، سواد کسب و کار و مهارت‌های بین فردی جهت رشد کارآفرینان بالقوه ضروری است چرا که، راه‌اندازی یک کسب و کار به عنوان یک هدف فوری برای بسیاری از دانش‌آموزان مدنظر نیست. اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموزان دانش و مهارت‌های حاصل از کلاس‌های کارآفرینی را برای الهام بخشیدن به آنها جهت راه‌اندازی کسب و کار کافی

می‌دانند (Greene et al, 2015). بنابراین، روش‌های آموزش کارآفرینانه در آموزش متوسطه، مهارت‌ها و شایستگی‌های لازم جهت حضور دانش‌آموزان در جامعه را پس از فارغ‌التحصیلی فراهم می‌آورند (Lupeja, 2021). آموزش کارآفرینی مستلزم تغییر در تعلیم و تربیت^۱ است. در کلاسهای درس سنتی، هر عملی از آموزش بر بخش خاصی از برنامه درسی متمرکز است و هر موقعیت یادگیری به گونه‌ای کنترل می‌شود که دانش‌آموزان هنگام یادگیری احساس ناامنی نکنند (Gibb, 2005).

جدول ۱. ابعاد شناسایی شده در ادبیات در خصوص مدرسه کارآفرین

ابعاد مدرسه کارآفرین	Ghazali et al. 2019	Humsona & Yuliani, 2018	Aladağ 2017	Huq & Gilbert 2017	Pereira et al. 2017	Gurr and Drysdale 2016	Oplatka 2014	Heilbrunn 2010
مدیران	صلاحیت مواجهه با مشکلات مدرسه					سبک رهبری همکاری با ذینفعان	تجربه در کارآفرینی	اعتماد معلمان به مدیر مدرسه رفتار حامی مدیر
معلم		آموزش کارآفرینی به معلمان	توانایی کارآفرینانه	آموزش کارآفرینی به معلمان			تجربیات شخصی	باور و تعهد
زیرساخت		زیرساخت‌های مدرسه			استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش کارآفرینی			
روش آموزش			یادگیری مشارکتی روش‌های انتقال توانایی‌های کارآفرینانه	یادگیری بازی‌گونه				
برنامه درسی			توجه به توانایی‌های کارآفرینانه					
فرهنگ	فرهنگ کارآفرینانه					فرهنگ مشارکتی		

اما، همانطور که گیب (۲۰۰۵)، نشان می‌دهد، آموزش کارآفرینی بر فعالیت دانش‌آموزان در یادگیری متمرکز است. موقعیت‌های یادگیری انعطاف‌پذیر، تعاملی و مبتنی بر توسعه دانش چندبعدی هستند. آنچه مورد نیاز است طیف وسیعی از فعالیت‌هایی است که یادگیری تعاملی و تعاملات دانش‌آموزان را تشویق می‌کند: یادگیری مشارکتی^۲، یادگیری مبتنی بر مسئله^۳، کار

1 pedagogy

2 co-operative learning

3 problem-based learning

گروهی و همسالان^۱، کار پروژه‌های^۲، کار تیمی^۳ (Seikkula-Leino, 2011). آموزش کارآفرینی به برنامه‌هایی اطلاق می‌شود که منجر به ارتقای هوشیاری کارآفرینانه جهت اهداف مسیر شغلی و آموزش مهارت در ایجاد و توسعه مشاغل می‌شود (Vesper, 1990). آموزش و پرورش می‌تواند با انتقال دانش و توسعه مهارت‌های مربوطه که باعث بهبود خودکارآمدی و اثربخشی کارآفرین بالقوه (دانش آموز) می‌شود، در راه‌اندازی سرمایه‌گذاری جدید در جامعه نقش مهمی را ایفا نماید (Gomen, Hanlon and King, 1979). جدول (۱) نشانگر ابعاد شناسایی شده در ادبیات در خصوص مدرسه کارآفرین است.

سامکانگه^۴ (۲۰۲۰)، در بررسی آموزش کارآفرینی در مدارس زیمبابوه مطرح نمود که مفهوم‌سازی آموزش کارآفرینی از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر متفاوت است. معلمان هنوز بر روش‌های سنتی تدریس تکیه می‌کنند که تفکر نوآورانه را که در توسعه مهارت‌های کارآفرینی حیاتی است، توسعه نمی‌دهد. همچنین اشاره شد که مدارس فاقد برنامه‌هایی بودند که بتوان آن را آموزش کارآفرینی توصیف کرد. وی معتقد بود آموزش کارآفرینی باید به عنوان یک موضوع در برنامه درسی مدرسه طراحی شود. تشها^۵ (۲۰۱۹)، در بررسی اثربخشی آموزش کارآفرینی در دبیرستان‌های آفریقای جنوبی، مطرح نمود دانش و مهارت‌های به دست آمده از برنامه‌های آموزشی کارآفرینی، انگیزه کارآفرینانه فراگیران را برمی‌انگیزد و آنها را برای ایجاد کسب و کار جدید به چالش می‌کشد. ریتوفسکا و استانکوفسکا^۶ (۲۰۱۹)، در بررسی مهارت‌های کارآفرینی معلمان در فرایند آموزش کارآفرینی در مدارس مطرح نمودند که خلاقیت و نوآوری معلم بدون شک بر روحیه و رفتار کارآفرینی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. کرکلی^۷ (۲۰۱۷)، در بررسی آموزش کارآفرینی در مدارس متوسطه نیوزلند، مطرح نمود که موفقیت آموزش کارآفرینی در مدارس را حاصل مشارکت همه جانبه ذینفعان،

1 group and peer work

2 project work

3 team work

4 Samkange

5 Tshehla

6 Ristovska and Stankovska

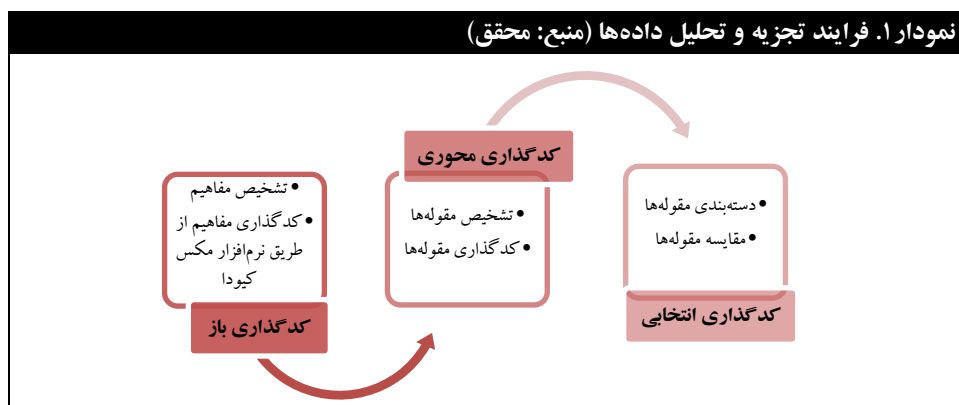
7 Kirkley

رهبری مدرسه و دیدگاه کارآفرینانه در مدرسه دانست. نصیری و همکاران (۱۳۹۹)، در بررسی رابطه رهبری هوشمند با کارآفرینی مدارس به نقش پررنگ رهبری هوشمند و خودکارآمدی معلمان در کارآفرینی مدارس تاکید نمودند. همچنین، بادزبان و همکاران (۱۳۹۹)، به اهمیت بهره‌مندی از آموزش به عنوان عامل مهمی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینی اشاره نمودند. اجاقی و همکاران (۱۳۹۵)، به محتوای دروس کارآفرینی و اهداف آموزش کارآفرینی و مهارت‌های مربیان کارآفرینی در نظام آموزش کارآفرینی اشاره نمودند. مطابق جدول ۱، ابعاد شناسایی شده مدرسه کارآفرین در ادبیات موجود دارای انسجام نیست. در این مطالعه با توجه به اهمیت شایستگی‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه در جامعه، به دنبال ارائه مدلی جامع در زمینه مدارس کارآفرین در این مقطع هستیم.

روش شناسی

این پژوهش از منظر هدف، کاربردی و بر حسب گردآوری اطلاعات داده‌ها از نوع پژوهش کیفی است. جهت نیل به هدف پژوهش، از رویکرد نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. محققان با این رویکرد از طریق روش استقرایی و اکتشافی، به جای اتکا به نظریه‌های موجود، به دنبال تدوین تئوری خود هستند. بر همین اساس، به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که مدل ایجاد مدرسه کارآفرین مبتنی بر توسعه شایستگی کارآفرینانه چگونه است؟ در این پژوهش، نظریه داده‌بنیاد اشتراوس‌اعینیت‌گرا (سیستماتیک) جهت تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل متخصصان آموزش کارآفرینی، خبرگان دارای تجربه اجرای آموزش کارآفرینی در مدارس متوسطه و همچنین خبرگان دانشگاهی هستند. نمونه‌گیری بصورت هدفمند بوده و تا زمان رسیدن به اشباع نظری جهت رسیدن به کفایت داده‌ها ادامه یافت. گردآوری اطلاعات از نمونه آماری در بازه زمانی تابستان و پاییز سال ۱۴۰۰ انجام پذیرفت. بر همین اساس، پس از چهاردهمین مصاحبه و اطمینان از شباهت داده‌ها و مفاهیم گردآوری شده پژوهشگران به کفایت داده‌ها دست یافتند. همچنین در

این مطالعه سوالات مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ از طریق تکنیک 5W1h، طراحی شدند. (Jang, Ko, & Woo, 2005). پس از گردآوری داده‌ها، داده‌ها در نرم‌افزار مکس کیودا نسخه ۲۰۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها در شکل زیر آورده شده صورت گرفت.



در راستای سنجش اعتبار داده‌های شناسایی شده بواسطه انتخاب دقیق نمونه مورد بررسی و تایید مفاهیم شناسایی شده طی یک فرایند رفت و برگشتی بین خبرگان و اتفاق نظر ایشان، اعتبار مدل تایید شد. پایایی ابزار پژوهش نیز از طریق آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران استفاده شد. بدین صورت که سه مصاحبه توسط پژوهشگران و یک همکار پژوهش (خبره آموزش کارآفرینی) کدگذاری و بر اساس تشابهات و عدم تشابهات درصد توافق بین کدگذاران شناسایی گردید. پایایی انجام گرفته در این پژوهش برابر با ۷۸ درصد بود که از نظر چین^۲ (۱۹۹۸)، درصد مناسبی می‌باشد.

یافته‌ها

الف) توصیف جمعیت شناختی

خبرگان پژوهش از نظر سنی بین ۴۰ تا ۶۴ سال بودند. ۸۰ درصد خبرگان دارای بیش از ۱۰ سال سابقه فعالیت در رابطه با آموزش کارآفرینی در مدارس بودند. ۲۰ درصد دیگر، از اساتید

1 Semi-structured
2 Chin

دانشگاه با تخصص در حوزه آموزش کارآفرینی بودند. ۷۱ درصد از خبرگان دارای تحصیلات دکترا و ۲۹ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند.

ب) تحلیل یافته‌ها

پس از مرور ادبیات حوزه آموزش کارآفرینی در مدارس و انجام مصاحبه با خبرگان و فعالان آموزش کارآفرینی در مدارس، داده‌های حاصل از مصاحبه کیفی جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها در سه مرتبه کدگذاری شدند، طی این سه مرتبه، تعداد ۱۲۶ کد باز، ۱۹ کد محوری و شش کد انتخابی استخراج گردید. در ادامه کدگذاری شش کد انتخابی آورده شده است.

مقوله فرعی مرتبه اول	مقوله فرعی مرتبه دوم	برخی از مولفه‌ها
برنامه درسی کارآفرینانه	محتوای برنامه درسی آموزش کارآفرینی	محتوای درسی متناسب با استانداردهای صلاحیت حرفه‌ای، محتوای برنامه درسی جذاب، پرورش روحیه پرسشگری در محتوای برنامه درسی، تناسب و انعطاف پذیری محتوای برنامه درسی کارآفرینی با علاقه مندی دانش آموزان، تمرکز بر توسعه فعالیت‌های فکری و شناختی
معلمان کارآفرین	اهداف برنامه درسی آموزش کارآفرینی	بروزرسانی محتوای دروس با توجه به نیازهای تعلیم و تربیت کارآفرینی در مدرسه، اولویت دهی به علائق دانش آموزان در انتخاب هدف برنامه درسی کارآفرینی.
روابط سازمانی	روش‌های آموزشی کارآفرینی	بحث و گفتگو در کلاس، شرکت دانش آموزان در پروژه‌های مدرسه، سازماندهی تورهایی مطالعاتی به شرکت‌ها و مشاهده کسب و کارها.
اکوسیستم کارآفرینانه مدرسه	پیش زمینه کارآفرینانه	تجارب شغلی معلمان، سوابق تحصیلی، تجربه کارآفرینی
مدیران مدارس	نگرش و توانمندی کارآفرینانه	توجه به تفاوت‌های رفتاری دانش آموزان، تحمل ایده‌های جدید دانش آموزان، انگیزه و اشتیاق معلمان در کلاس درس، استقبال از انتقاد
دانش کارآفرینانه	روابط سازمانی	شبکه‌سازی بین کارکنان مدرسه (مدیر، کادر مدرسه، معلمان)، قابلیت شبکه‌سازی معلمان، مشارکت در انجام امور
دانش کارآفرینانه	دسترسی به اطلاعات	تبادل میان فردی اطلاعات در بین دانش آموزان، معلمان و مدیران، دسترسی به اطلاعات در بین معلمان مدرسه
دانش کارآفرینانه	حمایت از کارآفرینی	استقبال از ایده‌های نو در کلاسهای درس، حمایت مداوم و بی قید و شرط از برنامه‌های آموزش کارآفرینی.
دانش کارآفرینانه	خصوصیات، باورها و ارزشهای شخصی	باز بودن نسبت به بازخوردها، توجه به دیگران، باور به کارآمدی و ضرورت گنجاندن کارآفرینی در مدرسه.
دانش کارآفرینانه	شیوه‌های رهبری و مدیریت کارآفرینانه	استفاده از تجربیات مدیران پیشین، اشتیاق در معرفی کارآفرینی در مدرسه و داشتن انگیزه.
دانش کارآفرینانه	دانش کارآفرینانه	آشنایی با زندگی کارآفرینان موفق، آشنایی با فرصت‌های شغلی برای رشته‌های مختلف، شرکت در دوره‌های آموزشی

مقوله فرعی	برخی از مولفه‌ها
دسترسی به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات	دسترسی معلمان و دانش آموزان به اینترنت در مدرسه، بکارگیری فناوری اطلاعات در فرایند یادگیری، تجهیزات در اختیار کلاس‌ها از منظر امکانات آموزشی.
ساختار سازمانی مدارس	ساختار غیر رسمی در مدیریت مدرسه، استقلال مالی مدارس متوسطه، امکان مشارکت معلمان، دانش آموزان، والدین در برنامه‌های آموزشی مدرسه

مقوله فرعی	برخی از مولفه‌ها
نحوه گذران فرصت‌های اوقات فراغت دانش‌آموزان	نحوه گذراندن اوقات فراغت کلاس زبان رفتن، کلاس کامپیوتر، رفتن با استادکار کار کردن بچه‌ها
شبکه دوستان و همسالان	نگرش دوستان دانش‌آموزان به کارآفرینی، نگرش خانواده دوستان
والدین	تعامل والدین با کادر مدرسه در رابطه با فعالیتهای دانش‌آموزان، نگاه خانواده در انتخاب سرگرمی برای بچه‌ها (انتخاب بازی، کتاب و غیره)، تمایل والدین به مشارکت بچه‌ها در اداره امور (رفتن به بانک، مدیریت هزینه منزل، ارائه پیشنهاد جهت برگزار مهمانی).
حمایتهای دولتی	تخصیص بودجه مکفی به فعالیتهای آموزش کارآفرینی آموزش و پرورش، سیاستگذاری در رابطه با فرهنگ‌سازی کارآفرینی در مدارس.
سیاست‌های آموزش و پرورش	همکاری بین آموزش و پرورش و وزارت علوم و فناوری و تشکیل کمیته‌های تصمیم‌گیری مشکل‌از خیرگان آموزش کارآفرینی و برنامه درسی، دسترسی کادر مدرسه و دانش‌آموزان به دانش تجربی و ضمنی خارج از دنیای مدرسه بواسطه ارتباط با ذینفعان.

مقوله فرعی	برخی از مولفه‌ها
تقویت فرهنگ کارآفرینانه در مدارس	شناسایی هم تیمی‌ها توسط مدیر مدرسه جهت توسعه همکاری‌های مشترک دانش‌آموزان در مدرسه، آموزش مفاهیم ابتدایی کارآفرینی به دانش‌آموزان و اصلاح دیدگاه آنها نسبت به کارآفرینی، شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان در مقطع دوم متوسطه، دیوان‌نویسی مدرسه با محتواها و اشعار.
استفاده از رسانه‌ها در جهت تقویت ذهنیت کارآفرینانه	تقویت جایگاه کار کردن در بین اعضای جامعه از طریق تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم رسانه‌ها و صدا و سیما، بکارگیری رویکرد کارآفرینانه در رسانه‌ها
تعریف و ارتقای سیستم برنامه‌های بهبود معلمان	ایجاد فرصت‌های یادگیری برای مربیان از طریق محیط‌ها و تجربه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی، بهبود سیستم جبران خدمات معلمان، آموزش زبان بدن
استفاده از مشاوران	ارتباط مهارت‌های نظری با تجربه عملی زندگی به کمک مشاوران کارآفرین، توجه برنامه‌ریزان آموزشی به جایگاه مشاوران در برنامه‌ریزی درسی.
ایجاد بستر عملی برای آموزش کارآفرینی	برگزاری اردوهای تابستانی مدارس، برگزاری رویدادها و ایونت‌های رقابتی بین دانش‌آموزان صاحب ایده‌های پرتو، دعوت از کارآفرینان موفق در سمینارها
تدوین برنامه جامع آموزش کارآفرینی در مدارس	گسترش انگیزه و علاقه در بین دانش‌آموزان به مهارت‌های کارآفرینانه (بعد ترویجی)، دسته‌بندی مهارت‌ها و شایستگی‌ها در سطوح مختلف دبستان، راهنمایی و دبیرستان (بعد آموزشی)، ایجاد پیوستگی آموزش‌های کارآفرینی

مقوله	مقوله فرعی	مولفه
پیامد	نگرش کارآفرینانه	اعتماد به نفس دانش‌آموز در درک و کشف فرصت‌ها، احترام قائل شدن به کارآفرینان، پذیرش ریسک راه‌اندازی کسب‌وکار، توانمندی پیاده‌سازی فرصت تشخیص داده شده، شناخت الگوهای نقش کارآفرین و حضور در شبکه آنها

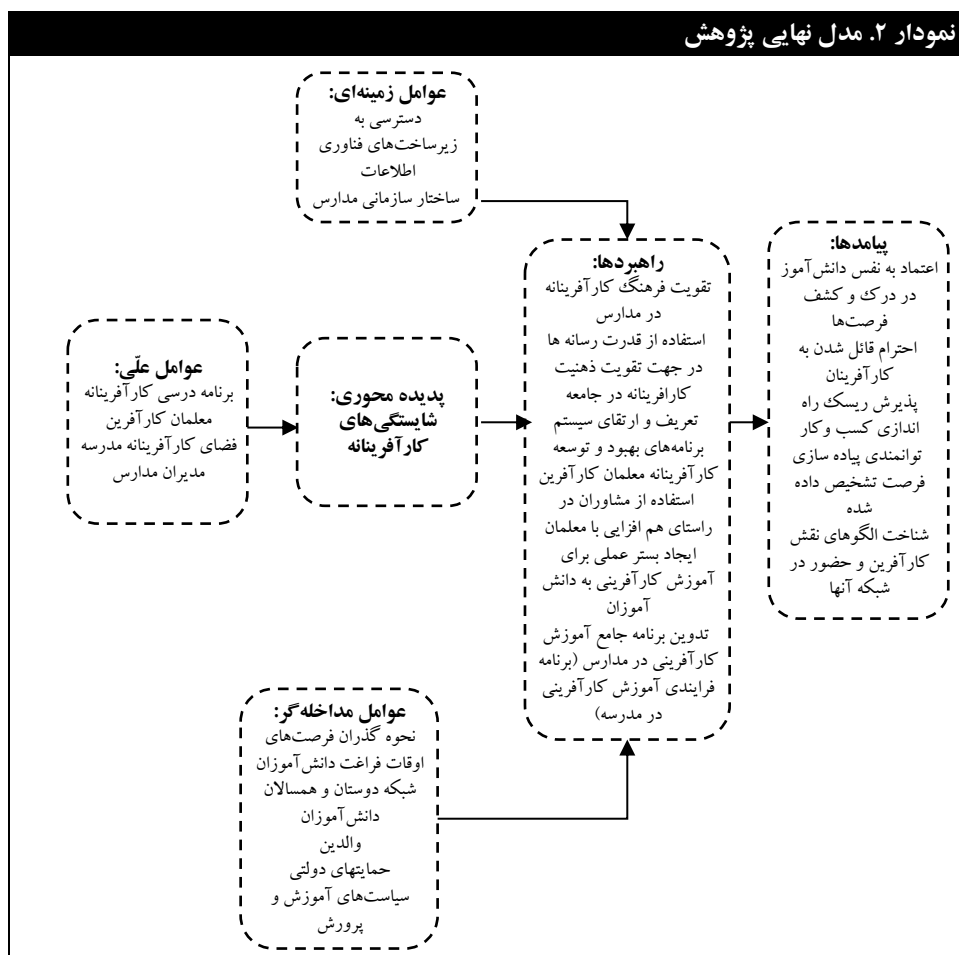
در نمودار ۲، روابط بین مقوله‌های شناسایی شده در قالب الگوی پارادایم نشان داده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات مختلف نشان می‌دهد در شکل‌گیری مدارس کارآفرین، بایستی خلاقیت، کنجکاوی، اعتماد به نفس و تمایل به آزمون ایده‌ها و حل مشکلات در دانش‌آموزان ترغیب و

تشویق شوند. دانش آموزان باید این فرصت را داشته باشند که از ابتکار عمل و مسئولیت‌پذیری برخوردار شوند و توانایی خود را توسعه دهند. شناسایی ابعاد مدل مدرسه کارآفرین مبتنی بر توسعه شایستگی کارآفرینانه، اهمیت بالایی دارند. بر این اساس، این پژوهش به دنبال ارائه مدل مدارس کارآفرین مبتنی بر توسعه شایستگی کارآفرینانه در مقطع متوسطه بوده است. در این مطالعه داده‌ها با روش کیفی و رویکرد داده بنیاد و با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته از خبرگان حوزه آموزش کارآفرینی گردآوری شد.

نمودار ۲. مدل نهایی پژوهش



پدیده محوری این مطالعه پرورش شایستگی‌های کارآفرینانه در بین دانش‌آموزان

دبیرستانی بود که در واقع همان رسالت اصلی مدرسه کارآفرین است که به دنبال تربیت دانش آموزان دارای مهارت‌های کارآفرینانه می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که پرورش شایستگی‌های کارآفرینانه به معنای ایجاد و توسعه مهارت‌ها در سه سطح شامل کسب تخصص لازم در زمینه‌های مختلف مانند خط خوش، حل مسئله فیزیکی، تعمیر موبایل، کسب مهارت‌های مدیریتی کسب و کار در راستای کسب درآمد از تخصص فراگرفته شده و کسب مهارت‌های نرم و مهارت ارتباطی همانند کار تیمی، توانایی برقراری ارتباط جهت مدیریت کسب و کار، انگیزه پیشرفت، روحیه کارآفرینان، و توسعه انگیزه پیشرفت و روحیه کارآفرینانه در بین دانش آموزان دوره متوسطه است.

بر اساس نتایج حاصل از بررسی مدل عوامل درون مدرسه‌ای نقش مهمی در پرورش شایستگی‌های کارآفرینانه دانش آموزان خواهند داشت. از جمله پی شرط‌های مهم در شکل‌گیری مدرسه کارآفرین می‌توان به وجود معلمان کارآفرین و مدیران مدارس اشاره نمود. معلمان کارآفرین با مولفه‌های پیش زمینه کارآفرینانه معلمان و نگرش و توانمندی کارآفرینانه معلمان در مطالعه حاضر شناسایی شد. نتایج مطالعات پیشین نشان داد که معلمان نقش اصلی را در اجرای مؤثر آموزش کارآفرینی در سطح مدارس ایفا می‌کنند (Bourgeois, 2011). مدیران مدارس نیز در مولفه‌های خصوصیات، باورها و ارزش‌های شخصی مدیران، شیوه‌های رهبری و مدیریت کارآفرینانه مدرسه توسط مدیران و دانش کارآفرینانه مدیران دسته‌بندی شد. در همین رابطه، گور و دریس‌دیل^۱ (۲۰۱۶)، معتقدند مدیران، در موفقیت مدارس خود نقش بسزایی داشته‌اند. رهبری آنها تحت تأثیر خصوصیات، اعتقادات و ارزش‌های شخصی آنها قرار گرفته است که هدایت اعمال آنها را بر عهده دارد. همچنین رهبری کارآفرینانه مدیران آنها را به توانایی تشخیص فرصت‌های جدید برای بهبود عملکرد مدرسه سوق می‌دهد و به آنها در جهت ایجاد محیطی حامی تغییر و نوآوری در مدارس کمک می‌نماید. این نتایج با مطالعات دیوسی^۲ (۲۰۱۸)، با تأکید بر نقش مدیران مدارس در

1 Gurr and Drysdale

2 Deveci

اجرای شیوه‌های آموزش کارآفرینی و وهیونینگح^۱ (۲۰۱۸)، با تاکید بر نقش مهارتها و آمادگی معلمان در تسهیلگری آموزش کارآفرینی در مدرسه، مطابقت دارد. در رابطه با برنامه درسی کارآفرینی نتایج مطالعه امیدی و همکاران (۱۳۹۸)، در رابطه با مطابقت اهداف، محتوا و روش برنامه درسی دروس مقطع دوم متوسطه کاملاً با نتایج مطالعه حاضر مطابقت دارد. در این رابطه آلاداچ^۲ (۲۰۱۷)، به گنجاندن توانایی‌های کارآفرینانه در برنامه درسی دانش‌آموزان اشاره نمود. همچنین دیوسی (۲۰۱۸)، به نقش روش‌های آموزشی گروهی و مشترک در توسعه نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان اشاره نمود. همچنین جو کارآفرینانه در مدرسه که دارای مشخصه‌هایی از جمله روابط سازمانی منعطف، دسترسی آزاد به اطلاعات و حامی کارآفرینی بودن در مدرسه دارای اثر علی بر پرورش و توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان است. فرهنگ کارآفرینانه مدرسه، یکی دیگر از ابعاد اثرگذار بر ایجاد مدارس کارآفرین بود.

همچنین نتایج مطالعه حاضر نشان داد که ساختار سازمانی مدارس و دسترسی به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات از عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر کنش‌ها و واکنش‌های توسعه‌ای پدیده محوری (شایستگی کارآفرینانه) هستند. محققانی همچون گور و دریس‌دیل (۲۰۱۶)، به نقش ساختار منعطف در مدیریت مدرسه اشاره نموده‌اند. نتایج مطالعه حاضر بر اهمیت مشارکت و همکاری کادر مدرسه کارآفرین در جهت توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان تاکید نموده است. علاوه بر این فراهم بودن زیرساخت‌های فناوری اطلاعات بویژه در شرایط ضرورت آموزش آنلاین در دوران پاندمی از عوامل مورد اشاره توسط خبرگان بود. از دیگر عوامل اثرگذار، می‌توان به نقش والدین در پرورش شایستگی‌های کارآفرینانه اشاره نمود. نگرش‌های منفی و مثبت والدین، تجربیات و زندگی شغلی آنان و در مجموع رویکرد آنها نسبت به آینده نقش پررنگی در موفقیت مدرسه کارآفرین دارد. در همین رابطه مصاحبه شونده شماره ۵ مطرح نمود که: «... در عین حال شاهد هستیم که

1 Wahyuningsih

2 Aladag

باورهای غلط خانواده ها هنوز استیلا دارد بر تصمیمات خود بچه ها ... آنچنان که امروز کنکور به عنوان یک سد به عنوان یک مانع به عنوان یک آرزو بزرگ برای خانواده ها مطرح شده و دانش آموزان را درگیر اون کرده اند. یعنی ما تصور می کنیم که رفتن به دانشگاه برای فرزندان ما به عنوان بالاترین ارزش محسوب میشود بدون اینکه توجه کنیم به آینده شغلی آنها و توجه کنیم به مسیر شغلی آنها». در همین رابطه محققانی همچون سیکلو- لینو^۱ (۲۰۱۱)، همسونا و یولیانی^۲ (۲۰۱۸)، به نقش پررنگ والدین در توسعه شایستگی های کارآفرینانه دانش آموزان در مدرسه کارآفرین اشاره نموده اند. در این رابطه بالتاکا^۳ (۲۰۱۷)، به نقش حمایت های دولتی از مدارس کارآفرین اشاره نموده است. در رابطه با حمایت های دولتی، مصاحبه شونده شماره ۸ مطرح نموده «... دولت اقداماتی که باید انجام دهد این است که بیاید بحث رقابت را بین جوانان شرکتهای هر منطقه به وجود بیاورد، برای اینکه آنها ایده بدهند و ایده هایشان حمایت شود و دولت باید نقش رگلاتور را داشته باشد». سیاست های آموزش و پرورش که به آگاهی کارآفرینانه در بین دست اندرکاران آموزش و پرورش اشاره دارد، نیز توسط روسکووارا و همکاران^۴ (۲۰۱۵)، مورد تاکید قرار گرفته است. مدل استخراج شده در این پژوهش نشان داد که استمرار و تقویت آموزش کارآفرینی در مدارس متوسطه مستلزم در نظر گرفتن عوامل متعددی (عوامل زمینه ای، علی و مداخله گر) جهت فراهم سازی و ارتقای شایستگی های کارآفرینانه در بین دانش آموزان مقطع متوسطه است که در نهایت به توسعه نگرش های کارآفرینانه آنها کمک می نماید. در ادامه پیشنهادات کاربردی و اجرایی در پرورش و توسعه شایستگی کارآفرینانه در بین دانش آموزان مقطع متوسطه و همچنین پیشنهاداتی پژوهشی جهت توسعه مطالعات در زمینه سازه های پژوهش مطرح شده است:

« پیشنهاد می شود آموزش و پرورش با تعریف چهارچوبی سیاسی با پشتوانه قانونی مناسب به برنامه ریزی جهت حمایت از برنامه ریزی و اجرای برنامه های آموزش کارآفرینی در

1 Seikkula-Leino

2 Humsona and Yuliani

3 Baltacı

4 Ruskovaara et al

مدارس متوسطه پردازد.

◀ پیشنهاد می‌شود امکانات و تجهیزات آموزشی مناسب برای معلمان صاحب ایده کارآفرینانه در راستای توسعه مهارت‌های کارآفرینانه آنها فراهم گردد و سالانه در بین معلمان صاحب ایده کارآفرینانه دبیرستان‌ها جشنواره‌ای برگزار گردد و صاحب ایده برتر بتواند از تسهیلات آموزش و پرورش (همانند منابع مالی، معافیت مالیاتی، امکان حضور در مراکز رشد دانشگاهی بصورت رایگان و غیره) به شرط حضور دانش‌آموزان آن دبیرستان در کسب و کار بهره‌مند گردد.

◀ با توجه به نقش والدین در پرورش شایستگی‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مختلفی برای آموزش و انتقال ذهنیت کارآفرینانه به والدین در مدارس طراحی و اجرا شوند. این برنامه‌ها می‌تواند در سطوح مختلف برای والدین با نگرش کارآفرینانه و همچنین والدین با نگرش ضد کارآفرینانه طراحی شود تا با تمرکز بر هر کدام نتایج مطلوبی ایجاد گردد.

◀ همچنین پیشنهاد می‌شود مدل شناسایی شده در مطالعه حاضر در مناطق مختلف کشور مورد بررسی قرار بگیرد تا بدین طریق بتوان به رتبه‌بندی و اولویت هر کدام از عوامل اثرگذار بر اساس زمینه جغرافیایی و اجتماعی پرداخت.

منابع

- اجاقی، صبا، رضایی، بیژن، نادری، نادر، جتعفری، حبیب. (۱۳۹۵). ارائه ی الگوی مفهومی مؤلفه‌های خرد و کلان نظام آموزش کارآفرینی. کارآفرینی در کشاورزی. ۳ (۴): ۵۴-۳۹
- امیدی جمشید، هاشمی سید احمد، قلتاش عباس، ماشینچی علی اصغر، (۱۳۹۸)، طراحی الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش آموزان دوره اول متوسطه. نظریه و عمل در برنامه درسی. ۷ (۱۴): ۳۴-۵
- بادزبان، فاطمه، رضائی مقدم، کورش، فاطمی، مهسا. (۱۳۹۹). آموزش کارآفرینی و تأثیر آن بر عملکرد کسب و کارهای زنان روستایی. کارآفرین. ۱۷ (۳): ۹۴-۷۹
- بهمنی، ندا، آراستی، زهرا، حسینی، سید رسول. (۱۳۹۶). آموزش کارآفرینی در مقطع ابتدایی با هدف تقویت نگرش کارآفرینانه. توسعه کارآفرینی. ۱۰ (۴): ۵۷۴-۵۵۵
- حاجی آقایی، حنیف، خلخال، علی. (۱۳۹۹). تبیین پدیده مدرسه به عنوان شتاب دهنده. نوآوری‌های آموزشی. ۱۹ (۱): ۱۱۱-۱۲۶.
- حشمتی فر، لیلا، لیاقت دار، محمد جواد، عابدی، احمد. (۱۳۹۸). تأثیر بسته آموزش کارآفرینی مبتنی بر برنامه آموزشی دانشگاه ساسکاچئون بر روحیه کارآفرینی دانش آموزان: یک طرح ترکیبی لانه‌ای هم‌زمان. نوآوری‌های آموزشی. ۱۸ (۳): ۱۰۴-۸۳
- قربانی، زهرا، کشاورزی، علی حسین، صفری، سعید. (۱۳۹۵). طراحی مدل مدرسه کارآفرین با رویکرد مدل کسب و کار. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد.
- نصیری، فخرالسادات، قادری شیخی آبادی، مریم. (۱۳۹۹). تحلیل همبستگی رهبری مثبت گرا و رهبری هوشمند با کارآفرینی مدارس: آزمون نقش میانجی خودکارآمدی معلمان. اندیشه‌های نوین تربیتی. ۱۶ (۴): ۲۵۸-۲۳۷.
- Aladag, S. (2017). "The Views of Class Teachers on Acquisition of Entrepreneurship Ability". *Journal of Education and Training Studies*, 5(8), 51-61.
- Baltaci, A. (2017). Relations between Prejudice, Cultural Intelligence and Level of Entrepreneurship: A Study of School Principals. *International Electronic Journal of Elementary Education*, 9(3), 645-666.
- Bourgeois, A. (2011). "Entrepreneurship Education at School in Europe: National Strategies, Curricula and Learning Outcomes". Education, Audiovisual and Culture Executive Agency, European Commission. Available from EU Bookshop.
- Brown, Ross, and Augusto Rocha. (2020). "Entrepreneurial uncertainty during the Covid-19 crisis: Mapping the temporal dynamics of entrepreneurial finance", *Journal of Business Venturing Insights*, 14: e00174.

- Chin, W. W. (1998). The partial least squares approach to structural equation modeling. *Modern methods for business research*, 295(2), 295-336 .
- Creswell, J. W. (2014). *Qualitative, quantitative and mixed methods approach*. Sage.
- Davies, M. D., & Beamish, W. (2009). Transitions from school for young adults with intellectual disability: Parental perspectives on "life as an adjustment". *Journal of Intellectual and Developmental Disability*, 34(3), 248-257.
- Deveci, İ., & Seikkula-Leino, J. (2018). "A review of entrepreneurship education in teacher education". *Malaysian Journal of Learning and Instruction*, 15(1), 105-148.
- Ghazali, S. S., Kadir, S. A., Asimiran, S., & Eric, S. (2019). "Entrepreneurial School Culture Model Development: Centralized Implementation in Malaysian Schools". *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 9(2).
- Gibb, A. (2005). The future of entrepreneurship education Determining the basis for coherent policy and practice. *The dynamics of learning entrepreneurship in a cross-cultural university context*, 2, 44-67.
- Gorman, G., D. Hanlon, and W. King (1997). "Some Research Perspectives on Entrepreneurship Education, Enterprise Education and Education for Small Business Management: A Ten Year Literature Review," *International Small Business Journal*, 15(3), 56-77
- Greene, Patricia G, Candida G Brush, Elaine J Eisenman, Heidi Neck, and Sam Perkins. (2015). 'Entrepreneurship education: A global consideration from practice to policy around the world'.
- Gurr, D., & Drysdale, L. (2016). Successful school leadership: case studies of four Singapore primary schools. *Journal of Educational Administration*.
- Heilbrunn, S. (2010). "Advancing entrepreneurship in an elementary school: A case study". *International Education Studies*, 3(2), 174-184.
- Humsona, R., & Yuliani, S. (2018). "How does Entrepreneurship Education Develop Soft Skills?". In *IOP Conference Series: Materials Science and Engineering* (Vol. 306, No. 1, p. 012107). IOP Publishing.
- Huq, A., & Gilbert, D. (2017). "All the world's a stage: transforming entrepreneurship education through design thinking". *Education+ Training*.
- Jang, S., Ko, E. J., & Woo, W. (2005, September). Unified User-Centric Context: Who, Where, When, What, How and Why. In *ubiPCMM*.
- Kim, C. K., & Yang, J. H. (2017). "A Study on the Factors Affecting Entrepreneurial Attitude of Korean Secondary School Students: Focused on Mediating Effect of Entrepreneurial Motivation". 32(5), 77-97.
- Kimiyaie, Ali, Abbas Gholami, Abbas Safari, and Ali Shirpour.(2015). 'Entrepreneurship Education and Entrepreneurial School a New Approach in Education and the Growth of Students', *Jurnal UMP Social Sciences and Technology Management*. 3: 456-61.
- Kirkley, William W. (2017). 'Cultivating entrepreneurial behaviour: entrepreneurship education in secondary schools', *Asia Pacific Journal of Innovation and Entrepreneurship*.
- Lackeus, M., Lundqvist, M., & Middleton, K. W. (2015). "Opening up the black box of entrepreneurial education". In *3E Conference*, Luneburg, Germany (pp. 23-24).

- Liguori, E., & Winkler, C. (2020). "From offline to online: Challenges and opportunities for entrepreneurship education following the COVID-19 pandemic".
- Lupeja, Thabita Lameck. (2021). 'Bridging secondary school instruction to real-life settings through entrepreneurial instructional approaches'. *International Journal of Education and Social Science Research*. 4 (2).94-106.
- Möttönen, T., & Tunkari-Eskelinen, M. (2020). Entrepreneurship Education and Entrepreneurial Ecosystems. In T. Möttönen (Ed.), *Finnish Entrepreneurs: From Freedom of Occupation to the Entrepreneurial Society*.1 (1) 83-112.
- Oplatka, I. (2014). "Understanding teacher entrepreneurship in the globalized society: Some lessons from self-starter Israeli school teachers in road safety education". *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*. 8(1), 20-33.
- Pereira, A., Martins, P., Morgado, L., Fonseca, B., & Esteves, M. (2017, September). A technological proposal using virtual worlds to support entrepreneurship education for primary school children. In *International Conference on Interactive Collaborative Learning* (pp. 70-77). Springer, Cham.
- Ratten, V. (2017). "Entrepreneurial universities: the role of communities, people and places". *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*.11(03), pp. 310-315
- Ratten, V., & Jones, P. (2021). "Covid-19 and entrepreneurship education: Implications for advancing research and practice". *The International Journal of Management Education*, 19(1), 100432.
- Ristovska, N., & Stankovska, S. (2019). ENHANCING ENTREPRENEURIAL SKILLS OF EMPLOYEES IN THE EDUCATION PROCESS. *UTMS Journal of Economics*, 10(1) 109-123
- Ruskovaara, E., & Pihkala, T. (2015). "Entrepreneurship education in schools: empirical evidence on the teacher's role". *The Journal of Educational Research*, 108(3), 236-249.
- Samkange, W. (2020)The Implementation of Entrepreneurship Education at Secondary School Level in Harare, Zimbabwe.
- Seikkula-Leino, J. (2011). "The implementation of entrepreneurship education through curriculum reform in Finnish comprehensive schools". *Journal of Curriculum Studies*, 43(1), 69-85.
- Sjøvoll, J., & Pedersen, O. (2014). Entrepreneurial mindsets in entrepreneurial schools. *European Scientific Journal*,1 (1),18-29
- Tshehla, S. S. (2019). *The effectiveness of entrepreneurship education in South African high schools* (Doctoral dissertation).
- Vesper, K. H. (1990). New venture strategies. *University of Illinois at Urbana-Champaign's Academy for entrepreneurial leadership historical research reference in entrepreneurship*.
- Wahyuningsih, S. E., Sugiyo, Samsudi, Widowati, T., & Kamis, A. (2018). "Model of local excellence-based on entrepreneurship education management for prospective vocational school teachers". *International Journal of Innovation and Learning*, 24(4), 448-461.